

کاظم مدیر شانه چی

اختلاف الفقهاء و کتب خلافيات

بسم الله الرحمن الرحيم

در زمان رسول اکرم، مسلمانان در مسائل مورد ابتلاء بیشتر به خود پیغمبر و احیاناً به اصحاب آنحضرت که با آنجناب تماس بیشتری داشتند و به احکام اسلامی آشنا بودند رجوع می کردند.

پس از درگذشت آنحضرت جز عده معدودی که به وصایت و خلافت علی (ع) و نیابت آنجناب از حضرت نبوی معتقد بودند و وی را چون نفس نفیس حضرت رسالت مرجع احکام و مقتدای انام می دانستند، بقیه مردم بناچار در مسائل وارده به اصحاب پیغمبر که در اطلاع بر احکام شرعی شهرت داشتند مراجعه می نمودند.

مبنای اطلاع این عده نخست آیات قرآن بود که به خاطر سپرده و در حفظ داشتند، دیگر استماع احادیث آنحضرت چه از لسان آنحضرت و چه بواسطه سماع از سایر اصحاب. منتهی چون ممارست در بررسی احکام نموده بودند و ضمناً از نبوغ و فهم بیشتری برخوردار بودند استخراج موارد جزئی از کلیات، و استنباط احکام فرعیه از عناوین عامه که در دو منبع مزبور «کتاب و سنت» وجود داشت برای آنان مقدور بود.

تعداد این افراد با توجه به محدودیت مراکز اسلامی نسبتاً زیاد بوده است. در اعلام الموقعین آمده است:

«ان الفتوى حفظت من اكثر من مائة و ثلاثين من اصحاب رسول الله ما بين رجل وامرأة، و كان المكثرون منهم سبعة، عمر بن الخطاب، و على بن ابيطالب، و عبدالله بن مسعود، و عايشه، و زيد بن ثابت، و عبدالله بن عباس، و عبدالله بن عمر. و المتوسطون منهم فيما روى عنهم من الفتيا: ابوبكر وام سلمه، و انس بن مالك، و ابو هريره، و عثمان،... و الباقيين مقلول في الفتيا، لا يروى عن الواحد منهم الا المسئلة و المسئلتان و الزيادة اليسيرة على ذلك.»

این افراد نیز چنانکه در کثرت و قلت فتوی مختلف بودند در توانایی بر استنباط احکام نیز متفاوت بوده اند. زیرا:

اولاً بخشی از احکام سیر تدریجی داشته و اطلاع بر شأن نزول آیات برای دانستن حکم لازم بود. کما علم اثنان و مطالعات فزاینده استنباط احکام ثانیاً بعض احکام بواسطه مصالحی نسخ می گردید که در واقع حکم قبلی فقط برای مدتی معین تشریح گردیده بود که با انقضای مدت مزبور حکم دیگری که زمان و مکان اقتضاء می نمود جایگزین حکم قبلی می گردید منتهی آمد حکم پیشین در قرآن و حدیث نیامده بود تا همگان ناسخ را از منسوخ تشخیص دهند.

ثالثاً قسمتی از احکام «چه در کتاب و چه در سنت» نخست بطور عموم و یا به نحو مطلق ذکر شده بود که آن نیز مفید عموم می باشد و بعد توسط آیات و یا سنت تخصص یافته و یا مقید گردیده بود.

رابعاً بعض احکام وارده در کتاب و سنت اجمال داشت که تفصیل آن در روایات یا آیات دیگر آمده بود.

بنابراین استفاده و استنباط حکم از کتاب و سنت احتیاج به اطلاع کافی در این زمینه ها داشت که می بایست صحابی صاحب نظر و مجتهد علاوه بر ذوق و قریحه استنباط، مدت مدیدی از مصاحبت پیغمبر برخوردار باشد، و یا با اهتمام در سؤال از آن حضرت و اصحاب، خودسازی نموده و با ممارست مداوم صلاحیت اجتهاد و استنباط را پیدا نماید.

پیدا است که این کار از همه افراد ساخته نبود، چه بعضی بواسطه کثرت مشاغل یا کمی درک زمان آنحضرت و نیز بواسطه اختلاف استعدادها در درجات نازلتری قرار داشتند.

بنابراین در بعضی موارد که از صحابی استفتاء می شد چون نصی از کتاب و سنت به نظر وی نرسیده بود طبق اجتهاد خود که یا مبتنی بر قیاس و نظیره گیری در احکام بود و یا مستند به روح شریعت و مصالح عمومی مسلمین بود، پاسخ مسئله را می گفت، که احیاناً دیگری که در این زمینه به حدیثی برخورد کرده بود و یا مصلحت دیگری را که از نظر شخص مزبور مغفول مانده بود، فتوایی برخلاف فتوای وی می داد.

فقهای تابعین که بعد از صحابه مرجع استفتائات مردم قرار می گرفتند نخست بواسطه احترامی که برای صحابه قائل بودند و دیگر به جهت اینکه صحابه با درک محضر رسول اکرم به روح دین از دیگران آشنا تر بوده اند یا سعی می کردند مخالف نظریه آنان فتوایی ندهند، و احیاناً اگر دو فتوی نسبت به مسئله ای از آنان رسیده بود اظهار قول سومی ننموده باشند، ولی تأیید یکی از دو قول، بلامانع بود، چنانکه در مسائل مستحدثه که فتوایی از

صحابه نرسیده بود. اظهار نظر چه باستناد عموم آیات و چه با قیاس به مسائل مورد اتفاق، انجام می شد. در این میان، مواردی که در این کتاب به آن اشاره شده است، عبارتند از: مسائل که در زمان تابعین طرح شد سندیت اجماع «یعنی اتفاق نظر فقها نسبت به حکم مسئله» و نیز حجیت خبر مرسل یعنی روایتی که بدون ذکر وسائط از پیامبر نقل می شد، بود، که در مسئله نخست، امام مالک فقط اجماع اهل مدینه را «بدان جهت که به پیغمبر منتهی می شد حجت می دانست، و بعضی مطلق اجماع فقهاء در مسائل را حجت می شمردند. چنانکه بعضی استناد به خبر مرسل را جائز نمی دانستند و بعضی با شرائطی مانند وثاقت مرسل یا اطمینان به اینکه وی جز از ثقات نقل حدیث نمی کند» می پذیرفتند. و قهراً اختلاف در اینگونه مبانی موجب اختلاف نظر در مسائل مفتی بها می گردید.

در دوران اتباع «تبع تابعین» که مجتهدین بزرگ و نام آوری چون صاحبان مذاهب اربعه فعلی اهل سنت و یا صاحبان مذاهب منقرضه چون ابن ابی لیلی، سفیان ثوری، اوزاعی، داوود ظاهری، لیث بن سعد، طبری،... بکرسی افتاء نشستند، نخست بواسطه اختلاف نظر در منابع فقه دوران تابعین و دیگر بواسطه ابداء منابع و مصادر فقهی تازه ای چون استحسان و مصالح مرسله و نیز بواسطه اختلاف عقیده در پذیرش بعضی انواع احادیث احکام «که بعضی بسند ضعیف به پیغمبر منتهی می شد و یا مرسلان نقل شده بود و نیز بواسطه وجود اختلاف و تعارض در بعضی احادیث وارده» دامنه اختلافات بیشتر گردید. مخصوصاً که فقه در این زمان از بساطت و محدودیت در چهار چوب مسائلی مبتلی بها خارج شده و به مسائل فرضی و احتمالی سرایت نمود. و در این مسائل که معمولاً فاقد نص صریح از

شارع بود مجال اجتهاد بیشتر گردید. ^۱ *المسائل الخلافية* به عنوان یکی از کتب مخالف
بعلاوه در این دوره نظرات فقهی کسانی که نام بردیم مذهب شهر یا
ناحیه ای قرار گرفت،^۱ و احیاناً در ترجیح مذهبی بر مذهب مخالف، بین دو
امام یا شاگردان و تابعان امامی با پیروان امامی دیگر باب منازعه و مجادله
باز گردید. ۲. خاصه که در این دوران کتب منطق و فلسفه و ترجمه در اجتماع
مسلمین وارد شده بود و می دانیم که یکی از ابواب منطق علم جدل است که
عده ای از فقها با آشنایی به این فن در به کرسی نشاندن نظرات مذهب و
معتقد خویش از آن سود جستند، و بالمآل کتبی در تأیید مذهب امام خود
و رد مذاهب مخالف پرداختند، چنانکه بعضی به منظور اطلاع از مذاهب
مختلف فقهی به تألیف کتبی در *مسائل الخلاف* دست زدند، که با توسعه
علم فقه و گسترش ابواب فقهی و وجود متخصصین در شعب علم فقه علم
خلاف «یا خلافیات، یا اختلاف الفقهاء، یا مسائل الخلاف» خود شعبه مهمی
از فقه را تشکیل داد.

در کتاب *مفتاح السعادة* در تعریف علم الخلاف آمده است:

«هو علم باحث عن وجود الاستنباطات المختلفة من الأدلة
الاجمالية والتفصيلية الذاهب الى كل منها طائفة من العلماء... ثم
البحث عنها بحسب الابرام و النقض لای وضع ارید من تلك الوجوه،
و مبادية مستنبطة من علم الجدل، فالجدل بمنزلة المادة، والخلاف
بمنزلة الصورة، و له استمداد من العلوم العربية والشرعية، و غرضه
تحصيل ملكة الابرام و النقض، و فائدته دفع الشكوك عن المذاهب و

۱ - مانند مذهب اوزاعی در شام و مذهب لیث در مصر
۲ - رجوع کنید به رساله مالک به لیث و پاسخ لیث به مالک در کتاب *اعلام الموقعین*

ایقاعها فی المذهب المخالف...»^۱

حاجی خلیفه می نویسد:

«هو علم يعرف به كيفية ايراد الحجج الشرعية و رفع الشبه و

قوادح الادلة الخلافية بايراد البراهين القطعية، و هو الجدل الذي هو

قسم من المنطق، الا انه خُصَّ بالمقاصد الدينية. و قد يعرف بانه علم

يقتدر به على حفظ اى وضع كان بقدر الامكان»^۲

ابن خلدون گوید:

«فقهی که از ادله شرعی استنباط می گردید بواسطه اختلاف

مدارک مورد اختلاف قرار داشت و این امر بواسطه اتساع ملت

امری ناگزیر بود، و مردم از هر کس که می خواستند تقلید و پیروی

می کردند تا زمان مجتهدین بزرگ فرارسید که مردم به تقلید آنان

بسند کرده کردند، و قهراً بین پیروان آنان اختلاف جریان یافت، و هر

فرقه برای تثبیت نظریه امام خود در مناظرات، به اصول و مدارکی

دست می زد، و این مناظرات به خفایات مسمی گردید... و کتب

الحنفية و الشافعية اکثر من تألیف المالکية، لان اکبرهم من امر

المغرب و هو بادیه»^۳

کتب خلافيات:

کتابهایی که در زمینه مسائل الخلاف نوشته شده، چند قسم است:

۱- مفتاح السعادة، طاش کبری زاده، ۱/ ۳۰۶، چاپ دارالکتب الحديثه، قاهره

۲- کشف الظنون فی اسامی الکتب والفنون، تحت عنوان علم خلاف

۳- مقدمه ابن خلدون بر کتاب العبر فی تاریخ من غیره.

۱- مفتاح السعادة، طاش کبری زاده، ۱/ ۳۰۶، چاپ دارالکتب الحديثه، قاهره

۲- کشف الظنون فی اسامی الکتب والفنون، تحت عنوان علم خلاف

۳- مقدمه ابن خلدون بر کتاب العبر فی تاریخ من غیره.

قسم اول از کتب خلافتیات: کتبی است که به منظور رد مذهب مخالف نویسنده و تثبیت مذهب مؤلف نوشته شده است که از اقدام این کتب است:

- ۱- رساله مالک به لیث بن سعد فقیه معاصر وی در مصر که لیث متقابلاً ضمن رساله ای به رد مسائلی که مالک بر وی خرده گرفته است پرداخته. این رساله را ابن قیم جوزیه در کتاب اعلام الموقعین^۱ آورده است.
- ۲- مناظره ابوالطیب طبرسی شافعی با ابوالحسن طالقانی حنفی مذهب قاضی بلخ، که در طبقات الشافعیه سبکی آمده است.^۲
- ۳- الحجته فی الرد علی الشافعی از ابو زکریای کتانی، یحیی بن عمر بن یوسف قرطبی «متوفای ۱۸۹ هـ»^۳.
- ۴- اختلاف مالک و الشافعی که در الام شافعی آمده است.^۴
- ۵- الرد علی محمد بن الحسن شیبانی، که این رساله نیز در الام شافعی درج است.^۵
- ۶- کتاب السیر الاوزاعی که شامل نقطه نظرهای قاضی ابو یوسف در موضوع حقوق ملی و توابع جنگهای اسلامی، با اوزاعی فقیه شام است.^۶
- ۷- کتاب الرد علی سیر الازواعی که در الام آمده است.^۷

-
- ۱- اعلام الموقعین، ج ۳ صفحه ۹۴ تا صفحه ۱۰۰
 - ۲- طبقات الشافعیه الکبری، ۱۸۳/۳ نام طبری طاهر بن عبدالله بن طاهر آملی «۳۴۸-۴۵ هـ» است که قاضی کرخ بغداد و استاد ابواسحاق شیرازی بوده است. از آثارش شرح مختصر مزنی است.
 - ۳- رک: تاریخ التراث العربی، ۱۵۰/۲
 - ۴- الام، ۱۷۷.۷ تا ۲۴۹
 - ۵- الام، ۲۷۷/۷ - ۳۰۳
 - ۶- این کتاب به تحقیق ابوالوفای افغانی در قاهره انتشار یافته است.
 - ۷- ۳۰۳/۳

- ۸- کتاب الرد علی محمد بن الحسن، که شافعی در این کتاب به رد آراء محمد بن الحسن الشیبانی استاد خود و شاگرد مبرز ابوحنیفه پرداخته.^۱
- ۹- کتاب مناظره ابو الطیب طبری با ابوالحسن قدودی، فقیه معروف حنفی است که سبکی در طبقات الشافعیه آورده.^۲
- ۱۰- معارضات غلام الخلال، عبدالعزیز بن جعفر البغوی که شاگرد ابی بکر خلال بوده، با ابوالقاسم خرقی که در طبقات الحنابله آمده.
- ۱۱- کتاب الرد علی محمد بن الحسن الشیبانی از اسماعیل بن اسحاق حماد مالکی، که قضاوت مالکیه را داشته و بسال ۲۸۲ هـ در گذشته.^۳ در اینجا مناسب است از کتاب نفیس «الام» اثر امام شافعی که از اقدام آثار فقهی اسلامی است یاد شود، زیرا در این کتاب بخش مهمی از مسائل خلافیه آمده است.
- استاد سزگین درباره این کتاب می نویسد:
- «بعد فوت الشافعی جمع تلامیذه عدداً من دراساته فی کتاب واحد و اغلب الظن ان تسمیة هذا الكتاب باسم کتاب الام ترجع الی جیل التالی، وقد دارالبحث منذ وقت طویل حول شخصیه من قام بتحریر هذه الرسائل و جمعها فی کتاب واحد، و قد ذکر، ابوطالب المکی «م ۳۸۶ هـ» ان یوسف بن یحیی البویطی. «م ۲۳۱ هـ» هو من قام هذا العمل. و یقال ان تلمیذاً اخر للشافعی و هو ربیعة بن سلیمان «م ۲۷۰ هـ» قد اخذ عمل البویطی و وصف نفسه بانه جامع هذه الرسائل، انظر احیاء علوم الدین»^۴

۱- رک: الام شافعی.

۲- طبقات الشافعیه، ۳/ ۸۹ - ۱۹۵

۳- فهرست ابن ندیم، صفحه ۲۹۶، چاپ کتبه التجاریه، قاهره

۴- تاریخ التراث العربی، ۲/ ۱۶۹

قسم دوم از کتب خلافيات: کتبی است که اختلافات مذهب دو تن از ائمه فقه، یا اختلاف بین دو مذهب فقهی را «بدون نظر به تثبیت و نقض» بیان نموده، مانند:

- ۱- اختلاف علی و عبدالله بن مسعود، که در الام شافعی آمده است.^۱
 - ۲- بیان اختلاف الامام ابی حنیفه و الامام الشافعی، که نسخه ای از آن در کتابخانه سلیم آغا، اسلامبول موجود است.
 - این کتاب تألیف ابوبکر بیهقی شافعی احمد بن حسین بن علی شافعی متوفی ۵۴۸ هـ. است.^۲
 - ۳- مختلف بین ابی حنیفه و الشافعی، از ابو محمد، عبدالله بن حسین ناصحی متوفی ۴۴۷ هـ.^۳
 - ۴- التجرید از قدوری، ابوالحسن احمد بن محمد حنفی بغدادی معاصر ابو حامد اسفرائینی، فقیه شافعی، این کتاب راقدوری در مسائل مورد اختلاف ابوحنیفه و شافعی نوشته است.
 - ۵- کتاب الرد علی اهل المدینه تألیف محمد بن الحسن شیبانی شاگرد خاص ابوحنیفه که از مالک نیز سماع حدیث کرده و ظاهراً این کتاب را پس از مجالست با ابوحنیفه و تخصص در فقه اهل عراق نوشته است.^۴
- قسم سوم از کتب خلافيات: کتبی است که شامل اختلافات فقهای بلاد یا ائمه مذاهب مشهور و یا اختلافات مذاهب گرچه منقرض شده باشند، می باشد. مانند:

۱- الام، ۷/۱۵۱-۱۷۷
 ۲- تاریخ التراث العربی، ۲/۳۳
 ۳- تاریخ التراث العربی، ۲/۳۳
 ۴- رک فهرست ابن ندیم، صفحه ۲۰۱

- ۱- اختلاف الفقهای طبری محمد بن جریر، مورخ و مفسر و فقیه عالیقدر مشهور، متوفی ۳۱۰ در مکه بخشی از آن چاپ شده است.^۱
 - ۲- اختلاف الفقهای طحاوی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن سلامه متوفی ۳۲۱، که قسمتی از آن چاپ شده است.^۲
 - ۳- مسائل الخلاف، از ابوسعید بروعی، احمد بن حسین اشرد سنی که از وطن به بغداد رفت و در آنجا فقه حنفی را تکمیل نمود. وی در اصول عقائد معتزلی مذهب بوده است. بروعی در راه حج توسط قرامطه مقتول گردید، (۳۱۲ هـ).^۳
 - ۴- اختصار اختلاف الفقهاء: که تألیف احمد بن علی حصاص (م ۳۷۰ هـ) که اختلاف الفقهاء طحاوی را پی گیری و تلخیص نموده. و نسخه ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است.^۴
 - ۵- تأسیس النظر «المختلف بین اصحاب الفقه» که در فهرست مشهد مخطوطات «در ۱- ۲۴۲» معرفی شده است.^۵
 - ۶- التعليقة فی مسائل الخلاف بین الاثمه «که بنقل سزگین جزوی از آن در کتابخانه تیموریه «از مجموعه کتابخانه های دارالکتب القرمیه قاهره» موجود است.^۶
- این کتاب تألیف ابو زید دبوسی^۶ عبدالله بن عمر، است که در این فن

۱ - طبع بیروت به نفقه دکتر فریدریک آلمانی

۲ - تحقیق دکتر محمد صغیر حسن معصومی، چاپ اسلام آباد

۳ - تاریخ التراث العربی، ۸۸/۲

۴ - نقل از تاریخ التراث، ۱، ۶/۲ «

۵ - تاریخ التراث، ۳۰۶ / ۲

۶ - دبوسه نام قریه ای بین بخارا و سمرقند است

تخصص داشت و طاش کبری زاده وی را اولین کسی که در علم الخلاف کتاب نوشته، معرفی می کند و از کتب وی کتاب الاسرار و کتاب تقویم الادله را نام می برد.^۱

۷- مسائل الخلاف، ابن الوراق، ابوبکر محمد بن احمد الجهم المروزی مالکی (م ۳۲۹ هـ) که پنجاه کتاب در مذهب مالک و دفاع از وی نوشت^۲

۸- عیون الادله فی مسائل الخلاف بین فقها الامصار از ابی الحسن، علی بن احمد قصار بغدادی که از کبار فقهای مالکیه بوده و در بغداد شغل قضاوت داشته، وفاتش در ۳۹۸ هـ بوده است.^۳

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه جامع قزوین فارس موجود است. این کتاب را قاضی عبدالوهاب بن علی بن نثر ثعلبی (۴۲۲ هـ) اختصار نموده بود.^۴

۹- اختلاف الفقهای مروزی، محمد بن نصر (م ۲۹۴ هـ) که نسخه ای از آن را استاد سزگین در کتابخانه یوسف آغا، در قونیه، معرفی نموده است.

۱۰- السنن و الاجماع و الاختلاف و کتاب الاشراف فی اختلاف العلماء علی مذاهب الاشراف، از محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری (م ۱۳۸ هـ) است که نسخه ای از کتاب نخست در کتابخانه ایاصوفیا استانبول و نسخه ای از کتاب دوم، در کتابخانه سرای احمد در همین شهر موجود است.^۵

۱- مفتاح السعاده، ۱/۳۰۶

۲- تاریخ التراث العربی، ۲/۱۵۱

۳- به همین مرجع، ۲/۱۶۱

۴- همان مرجع، ۲/۱۶۱

۵- همان مرجع

- ۱۲- مسائل الخلاف ابوالحسن عبدالعزیز جزری اصفهانی^۱
- ۱۳- مسائل الخلاف، ابوجعفر، محمد بن عبدالله ابهری «م ۳۷۲ هـ» که از فقهای مالکیه بوده است.^۲
- ۱۴- کتاب الجوامع، از قاضی ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم که از کبار شاگردان امام ابوحنیفه بوده، و بسال ۱۸۲ هـ در دوران خلافت هارون الرشید درگذشت قاضی این کتاب را برای یحیی بن خالد برمکی نوشت.^۳
- ۱۵- کتاب اختلاف الامصار از همین مؤلف.^۴
- ۱۶- حلیة الاولیاء فی مذاهب الفقهاء از سیف الدین ابوبکر، محمد بن قفال چاچی «م ۵۰۷ هـ» که برای المستهز عباسی نوشته بود به «مستظهری» هم شهرت دارد.^۵
- ۱۷- الايضاح والتبيين فی اختلاف الائمة المجتهدین، از عون الدین یحیی بن محمد الشیبانی «م ۵۵۹ هـ».^۶
- ۱۸- مختلف المذاهب، فقه مختصر فارسی از مؤلفی ناشناخته که موارد اختلاف مذاهب اربعه اهل سنت را آورده است.^۷
- ۱۹- سیر الفقهاء الاربعه ورؤس المذاهب الخمسه از شمس العلماء عبدالرب آبادی، شیخ مهدی قزوینی.^۸

۱ - فهرست ابن ندیم صفحه ۲۷۲

۲ - فهرست ابن ندیم، صفحه ۲۹۷، چاپ کتابخانه، قاهره

۳ - همین مدرک صفحه ۳۰۰

۴ - همان مدرک صفحه ۳۰۰

۵ - فهرست المخطوطات المصوره، ۳۰۱/۱

۶ - بروکلین، ذیل ۶۹۷/۱

۷ - فهرست مرعشی ۱۱ به نقل از استاد دانش پژوه

۸ - بنقل استاد دانش پژوه از فهرست انوار، ج ۱

- ۲۰- حقائق منظومه بخارایی، ابوالمحمّد، محمود، که بسال ۶۶۶ هـ نوشته شده است.^۱
- ۲۱- مختلف الروایه فی الخلافیات از ابی اللیث سمرقندی، نصر بن محمد (م ۳۷۵ هـ).^۲
- ۲۲- کتاب الاشراف بمذاهب الاشراف از ابن منذر.
- ۲۳- اختلاف العلماء از محمد بن نصر مروزی که توسط استاد صبحی السامرائی تحقیق و انتشار یافته است.
- ۲۴- مختلف الروایه از علاء الدین محمد بن عبد الحمید سمرقندی معروف به علاء العلم (م ۵۵۲ هـ).^۳
- ۲۵- مجمع الخلافیات، از یکی از علمای عصر سلطان بایزید عثمانی که شامل اختلاف ائمه اربعه است.^۴
- و بالاخره «مسائل الخلاف شیخ طوسی» که از آن اجمال یاد خواهم کرد.
- قسم چهارم از کتب خلافیات: کتبی است که در مطلق مسائل فقهی نوشته شده، منتهی مؤلف به مذهب مختار خود اکتفا ننموده و نظریه فقهای بزرگ را نیز آورده است.
- این قسم کتب از اقسام پیشین بیشتر است بلکه در اغلب کتب مبسوطه فقه متعرض نظرات و آراء فقهای دیگر شده اند. منتهی بعض کتب بیشتر به این جهت توجه داشته اند.

برای نمونه از کتابهای ذیل که بواسطه چاپ و انتشار در دسترسی همگان

۱ - به نقل از استاد دانش پژوه از فهرست دانشگاه، ج ۳

۲ - کشف الظنون، قائمه ۱۶۳۶

۳ - کشف الظنون، قائمه ۱۶۳۶

۴ - کشف الظنون، قائمه ۱۶/۲

است نام می بریم.

- ۱- المدوّنة ابن قاسم عتیقی، عبد الرحمن بن قاسم المالکی (م ۱۹۱ هـ) که آراء امام مالک را در آن آورده و چنانکه اشاره کردیم به اقوال صحابه و تابعین و فقهای دیگر اشاره نموده است. که بر آن شروحنی نوشته شده است.^۱
- ۲- المبسوط سرخسی، شمس الاثمه، محمد بن احمد بن ابی سهیل السرخسی (م ۴۸۳ هـ). مبسوط ضمن سی جلد در بیروت چاپ شده است.^۲
- ۳- المغنی، موفق الدین ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه (م ۶۲۰ هـ) که شرح مختصر خرقی در فقه حنابله است، این کتاب به ضمیمه شرح کبیر ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (م ۶۸۲ هـ) ضمن ۱۲ جلد مکرر در بیروت چاپ شده است.
- ۴- مبسوط شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) که یک دوره فقه استدلالی شیعی با نقل اقوال اهل سنت است.^۳
- ۵- تذکرة الفقهای، علامه حلی، یوسف بن مطهر، که از آغاز طهارت تا آخر کتاب نکاح را بطور مبسوط با ذکر ادله مرقوم داشته و در مسائل، اقوال مذاهب دیگر را نیز ذکر نموده است. این کتاب نیز مکرر در ایران چاپ شد.
- ۶- میزان شعرانی، عبدالله بن احمد (م ۹۷۳ هـ) که مکرر در مصر چاپ شده است.^۴

۱- کشف الظنون قائمه ۱۶۴۴

۲- رجوع کنید به: کشف الظنون قائمه ۱۶۴۴

۳- مبسوط یکبار در تهران چاپ سنگی شده و اخیراً نیز در تهران با چاپ حروفی انتشار یافته است.

۴- نام کامل کتاب: «المیزان الشعرانیة المدخلة لجميع اقوال الاثمة المجتهدین و مقلد یهم فی الشریعة المحمدیة» است رک: «کشف الظنون»

۷- الفقه علی المذاهب الاربعه که توسط استاد شیخ عبدالرحمن الجزایری از علمای قاهره تألیف و در پنج جلد تنظیم و مکرر در قاهره چاپ شده است.

۸- موسوعة عبدالناصر، که توسط لجنه ای از علمای مصر توسط «المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه» در قاهره انتشار یافته است.

فکر موسوعه مزبور نخست از ناحیه علمای دمشق ابداء شد، بدین سان که جمعی از اساتید و فقهای دانشگاه دمشق بفکر افتادند دائرة المعارفی در فقه مذاهب موجود اسلامی تنظیم نمایند، و متعاقباً وسائل کار و کتب مرجع تهیه گردید. ولی بواسطه انضمام کشور سوریه به مصر در زمان عبدالناصر، رئیس جمهور متوفای مصر، این کار به قاهره منتقل گردید، و لجنه ای مشترک در سال ۱۳۸۱ هجری قمری جزوه ای بعنوان نمونه کار و برای نظر خواهی انتشار داد، منتهی شروع باصل کتاب بواسطه انفصال سوریه از مصر، موقتاً متوقف گردید تا بالاخره علمای مصر لجنه ای تشکیل داده و کار را مستقلاً دنبال نمودند. این کتاب در «مطالعات فقهی» جلد اول این دائرة المعارف که تحت عنوان «موسوعة عبدالناصر» بترتیب حروف تهجی موضوعات فقهی را از نظر مذاهب اسلامی بررسی می نماید در سال ۱۳۸۶ هـ انتشار یافت.

کتاب شامل نظرات و آراء فقهی ائمه مذاهب اربعه «حنفیه، مالکیه، شافعیه، حنبلیه»، و امامیه و زیدیه و اباضیه، است که تا جلد هفتم آن فقط شامل حرف «الف» است

۹- الفقه علی المذاهب الخمسه، از دانشمند متوفای معاصر، استاد شیخ جواد مغنیه است که بخش عبادات و احوال شخصیه «کتاب نکاح،

طلاق، وصیت، وقف، حجر، را شامل است. این کتاب مکرر در بیروت چاپ شده و ترجمه فارسی آن در ایران انتشار یافته. کتب مختصرتری نیز توسط علمای فریقین نوشته شده است که حاوی نظرات مذاهب مختلف اسلامی است، که از بهترین آنها کتاب بدایة المجتهد ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد بن محمد بن رشد «م ۵۹۵ هـ» است.

در این کتاب اقوال صحابه و تابعین و نیز فقهای که شهرتشان به درجه ائمه اربعه نمی رسد نیز آورده شده و ادله هر یک به اجمال نیز ذکر گردیده است.

در اینجا از ذکر این نکته گریز نیست و آن اینکه در کتب فقه امامیه از عصر سید مرتضی و شیخ طوسی تا زمان شهیدین علاوه بر آراء امامیه نوعاً متعرض اقوال مذاهب معروف اهل سنت نیز گردیده، چنانکه در «انتصار» سید مرتضی، «غنیه» سید ابوالمکارم بن زهره، «مهدب» ابن براج، «سرائر» ابن دریس و کتب مفصل علامه، ملاحظه می شود، ولی از عصر شهید جز در کتب مبسوطه، اقوال مذاهب دیگر نیامده است.